

وقتی برای زندگی

وقتی برای عشق

داستانی واقعی و

بهترین هدیه ای که تاکنون دریافت کرده اید.

نویسندگان :

ریچارد کارلسون

گریستین کارلسون

مترجم :

الهه شایسته

وقتی برای زندگی

وقتی برای عشق

نویسندگان :

ریچارد کارلسون

کریستین کارلسون

مترجم :

الهه شایسته

ناشر :

انتشارات ناس

چاپ اول - ۱۳۹۰

چاپ پیام - ۱۰۰۰ جلد

شابک : ۹۶۸ - ۹۶۴ - ۹۹۱۷ - ۶۸ - ۹

انتشارات ناس - میدان انقلاب - خ منیرری جاوید - پلاک ۶۸ - ۶۶ -

تلفن : ۶۶۴۱۴۲۵۴

بخش از : بخش جاوید ۶۶۴۸۶۵۶۰ - ۶۶۴۸۶۵۶۱

سرشناسه: کارلسون، ریچارد، ۱۹۶۱ - ۲۰۰۶ م. Carlson, Richard
عنوان و نام پدیدآور: وقتی برای زندگی، وقتی برای عشق / نویسندگان: ریچارد
کارلسون، کریستین کارلسون؛ مترجم: الهه شایسته.
مشخصات نشر: تهران، ناس، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.
شابک: ۹ - ۶۸ - ۹۹۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: An hour to live, an hour to love: the true
story of the best gift ever given, c2008
موضوع: عشق، روابط زن و مرد، دوستی، سوگمندی، شوهران - مرگ -- جنبه های
روانشناسی
شناسه افزوده: کارلسون، کریستین، ۱۹۶۲ - م. - Carlson, Kristine - شایسته
الهه، ۱۳۶۰ - مترجم.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ / ۵۷۵۷۵ BF
رده بندی دیویی: ۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۰۶۸۱۴

وقتی برای زندگی، وقتی برای عشق

نویسندگان: ریچارد کارلسون - کریستین کارلسون

مترجم: الهه شایسته

ناشر: انتشارات ناس

چاپ اول - ۱۳۹۰

چاپ پیام - ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹ - ۶۸ - ۹۹۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸

انتشارات ناس - میدان انقلاب - خ منیری جاوید - پ ۶۸ - ۶۶
تلفن: ۶۶۴۱۴۲۵۴

پخش از: پخش جاوید ۶۶۴۸۶۵۶۰ - ۶۶۴۸۶۵۶۱

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

عنوان فهرست

۷ سپاسگزاری

۸ مقدمه

۱۱ وقتی برای زندگی (ریچارد کارلسون)

۳۹ وقتی برای عشق (کریستین کارلسون)

مقدمه

همسرم دستم را گرفت، بسته ای هم در دست داشت که آن را باروبان طلائی بسته بود و مرا به سمت نیمکتی که جایگاه خصوصی ما بین دو درخت سرو و کاج با چشم اندازی زیبا از اقیانوس آرام بود، برد. تقریباً بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب بود که ما آنجا نشسته بودیم. سر من روی شانه های او بود، با دستهای حلقه شده دور همدیگر، و یکی دیگر از ثروت های طبیعت را تماشا می کردیم. او خیلی آرام بسته ای را که روی پایش گذاشته بود به من داد. نامه ای در آن بود که روی آن نوشته شده بود:

ساعتی برای زندگی:

با چه کسی تماس می گیرید و منتظر چه هستید؟

تقدیم به کرسی عشق من در زندگی

برای هجدهمین سالگرد ازدواجمان

با عشق: ریچارد.

آن لحظه ی بسیار سختی برای من بود هنگامی که من فقط یک کارت هدیه به او دادم.

سپاسگزاری

در ابتدا قبل از هر چیز، جا دارد از میلیونها خواننده ای که در سر تا سر دنیا کتاب ریچارد را خوانده و دوستدار او بوده اند و پیام تسلیت و تعزیتشان را برای ما فرستاده اند، تشکر کنم. این حمایت و پشتیبانی شما باعث دلگرمی ما شده است.

همچنین می خواهم از کسانی که در چاپ این کتاب در سخت ترین لحظات زندگی همیار من بوده اند نیز تشکر کنم. (پتی بریتمن)^۱ که با وجود بازنشستگی، مرا حمایت کرد و وقت گرانبهایش را صرف این یادگار و زندگی ریچارد کرد. نماینده ی حقوقی خارجی ما، لیندا مایکل^۲، بخاطر رفاقت عاشقانه و دلگرمی اش، ناتالی تاکر^۳ که در تصحیح و ویرایش کتاب زمانی که بسیار افسرده و غمگین بودم، کمک فراوانی به من روا داشت. و ولز و باب میلر^۴ بخاطر وفاداری به این کتاب و تشکر مخصوص برای فرشتگان زمینی، دوستان و خانواده، ما، کسانی که در این پرتگاه تاریک غم و غصه مانند چراغ روشنی پیش روی ما بوده اند.

بیشتر تمایل دارم از دخترانم، جاسمینی^۵ و کنا^۶ تشکر کنم. شما در این چند ماه اخیر تا آنجا که در توان داشتید، به من توجه کردید. شما دلیل زنده ماندن و زندگی کردن من هستید. پدرتان بسیار به شما افتخار می کند و می دانید که او چقدر شما را دوست داشت و دوست می دارد. شاید این یکی از دشوارترین لحظات عمر شما باشد، اما من به شما که هر روز در زندگی، خود را مثل خانمهای جوان با شخصیت نشان می دهید، افتخار می کنم. هر چهار تای ما برای همیشه بعنوان یک خانواده با پیوندی عظیم بنام عشق با هم خواهیم ماند.

^۱ Patti Breitman .

^۲ Linda Michaels .

^۳ Natalie Tacker .

^۴ Wells , Bob Miller .

^۵ Jasmine .

^۶ Kenna .

در حالیکه ریچارد به غروب آفتاب می نگریست، من هم نشسته بودم و زیباترین نوشته ای را که هیچ گاه تصورش را نمی کردم، می خواندم. حتی از ریچارد کارلسون، نویسنده متبحر، این یک هدیه حیرت انگیز بود. با خودم فکر می کردم که این از کجا آمده بود؟ وقتی به صورت او نگاه کردم. اشک از چشمانم سرازیر شد. از او پرسیدم که آیا بیمار است؟ خندید و پاسخ داد: «نه، بیمار نیستم. من از عشق و زیباییهای زندگی الهام گرفته ام و باید این چیزها را می نوشتم.»

هم اکنون می بینم که پیغام او چقدر پر کنایه و نیرومند است. سه سال بعد، در میان غمی که از فراق تنها عشق زندگی ام وجودم را فراگرفته بود، نامه او را به یاد آوردم، بهترین هدیه ای بود که تاکنون از کسی گرفته بودم. تمام ثروتها و زیباییهای دنیا در مقایسه با عشقی که از این کلمات سرشار است، بسیار ناچیز و اندک می نمود. یک چیز هست که با هر نفس و با بند بند وجودم احساس می کنم. و آن اینکه عشق واقعاً جاودانه است و تا ابد پایدار می ماند. این هسته ی ارتباط ما در زندگی است. جایی است که ریچارد، پاک و زنده خواهد ماند. من همیشه با او بوده ام. این هدیه، قدرت امید و آرامش را برای من و دخترانمان که در غم فراق او به سوی زندگی جدیدی قدم بر می داشتیم، به ارمغان داشت. بگونه ای بود که انگار ریچارد در ضمیر خود آگاهی می داشت که بین همه ما شاید او اولین کسی باشد که ما را ترک می کند. او به ما آموخت که چگونه کامل و پربار زندگی کنیم. او به

من چیزی داد که بسیار کمکم کرد تا بتوانم سالهای آخر زندگی را تحمل کنم.

ریچارد برای همیشه در قلب من باقی خواهد ماند. می دانم که او هم مرا بسیار دوست داشت و در این بیست و پنج سال که با هم بودیم زندگی بسیار گرانبها و با ارزشی داشتیم. وقتی با احساس لذت و شادی، آن اوقات سحرآمیز را به خاطر می آورم، کمی احساس پشیمانی می کنم.

امیدوارم که شما آن را به افراد خاصی ارجاع دهید و آنچه را که ریچارد گفته است همیشه به خاطر داشته باشید:

«شما را همیشه بخاطر اینکه چقدر خوب زندگی کرده اید و اینکه

چقدر عشق دیگران را در دل داشته اید به یاد می آورند نه بخاطر

پیشرفت‌ها و مهارت‌هایی که داشته اید.»

این هدیه ی زندگی را حفظ کنید و از این داستان که بهترین هدیه ای است که تاکنون در یافته اید، لذت ببرید.